



نشریه کلمه

نشریه بسیج دانشکده ادبیات فارسی و
زبانهای خارجی علامه طباطبائی (ره)

وَضِّعَا لِبِرَاهِمِ

• شهید ابراهیم قائمی •

آسیب های فضای مجازی

سالروز قانون اساسی

کتاب؛ یار همیشه همراه



فهرست

۷

سال روز قانون
اساسی

۶

چرند پرند

۴

وصال ابراهیم

۱۲

اشعار ملل

۱۰

کتاب؛
یار همیشه همراه

۸

آسیب های فضای
مجازی

۱۳

خلاصه برنامه اکران مستند دیوانگی



بسیج دانشجویی دانشگاه گیلان (ره)

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشکده ادبیات
فارسی و زبانهای خارجی علامه
طباطبایی (ره)

مدیرمسئول و سردبیر: میثم بال زده
دبیر تحریریه: رامین صداقت

صفحه آرا: نعیمی پور

ویراستاران: مائده سادات حسینی،
زهره رازقی، فاطمه کدخدارستم

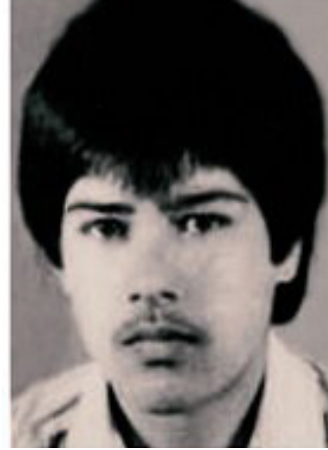
تحریریه: علیرضا سربندی، مائده
سادات حسینی، فرنوش رضائی،
فاطمه آزادی، نفیسه اغمی، مریم رجبی

 @kalameh_mag1

 @kalameh_mag

 kalameh_mag

نشریه
کلمه



حرکت، این اصل نمیرندگی هر جریانی که به سوی مقصدی جاری است. چشمه‌هایی که از اعماق سنگ‌های سخت کوهستانی می‌جوشند و در درازنای مسیری ناهموار به زلالی تمام خود را به دریایی بی‌کران متصل می‌کنند. و چه شیرین است آبی که از سرچشمه می‌تراود و پاکی خود را با حرکت سریع و بی‌ملاحظه تضمین می‌کند. اما گاهی این حرکت در کوهستان رقم می‌خورد، گاهی در جابه‌جایی از شهری به شهر دیگر و زمانی هم در ذهن‌ها.

چه کسی می‌داند شاید تو حرکت را آن زمانی که خانواده‌ات از روستاهای نیشابور به گلستان و گنبد رفتند شروع کرده‌ای و برای آنکه خود را در دریا جاری کنی، به مشهد سفر کردی. اگر آن شب بارانی _در گنبد که صدای نفس زدن مرگ را حس کردی و پدرت نذر صاحب طوس کرد تا سلامتت را دوباره ببیند_ امور این عالم طرز دیگری رقم خورده بود...

حالا دیگر شهید ابراهیم قائمی نبود! پس تو هفده سال، متفاوت در این خاکدان جوشیدی. طور دیگری قلم زدی که نقاش اصلی بپسندد.

عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ اَبِي اَبِيهِ
وَضِيالِ اَبِي اَبِيهِ

• شهید ابراهیم قائمی •



علیرضا سربندی؛ دانشجوی زبان و ادبیات فارسی





آه! ابراهیم

پرسیدم؟ معذر می‌خواهم. حتماً آن ساعتی که خبر پیدا شدنت را به آنها دادند، آنجا بودی. دیدی چگونه گریه می‌کردند و شوق دیدنت را در دل می‌پروراندند. از آن روزها که رفتی خیلی شکسته‌تر شده‌اند. مادرت می‌گفت نگران بودی که تا هجده سالت شود و به سن جنگ رفتن بررسی از عصر خمینی باز بمانی.

حالا سر بلند کن و نهالی را که سال ۱۶ با خونت آبیاری کردی ببین. درخت تناوری شده‌است که میوه هایش از عسل شیرین ترند هرچند که گاهی هم آفت زده از آب در می‌آیند.

خواهرت می‌گفت قرار بود بعد از بازگشت از جنگ به دانشگاه بروی. خوشم می‌آید از شما متولدین دههٔ سی و چهل وعده‌ای نیست که زمین مانده باشد. یکی از شما خوش قول‌ها مدت بیشتری با ما بود. سلام ما را به حاج قاسم‌مان برسان. همگی دوستش داریم.

نام برازنده‌ای داری. صاحب نامت پیامبری بود اولولوعزم که امتحان‌های گوناگونی را سپری کرد. او تا آستانهٔ دیدن داغ فرزندش رفت. اما پرردگار او را از این داغ مصون داشت. او جدّ پیامبری است که حالا برای جاری ساختن دینش زیر خاک خوابیدی. تو از همه نشانه داری! سال‌های سال مانند آن مدار خلقت مزاری پنهانی اختیار کرده بودی. پدرت می‌گفت جایی برایش سخن به میان آوردی که اگر می‌خواهید خدا به ما رحم کند به یکدیگر رحم کنیم. این سخن مرا یاد کسی می‌اندازد که مهربانی را برای خود واجب کرده‌بود و شبی سر بر زمین نگذاشت مگر یتیمان گرسنه را سیر کرده باشد. شهادتت هم احتیاجی به توضیح ندارد. کیست که نداند؟ تا صبح محشر هر خون مظلومی که بر پهنهٔ دشت جاری می‌شود قلب‌های پریشان را تا صحرایی شگرف که خورشید و ماه را همزمان دارد پیش می‌برد. راستی ابراهیم! از پدر و مادرت خبر داری؟ این چه سوالی است که



حَرَ نَک پَر نَک

«شماره دوم»

ریسمون بافتم و آیه و روایت ردیف کردم، انگار نه انگار! مسخ شده بود و زیر بار نمی‌رفت! شده بود سنگ که نرود میخ آهنین درش! هی میگفت نه خبر موثقه! فلانی و فلانی هم تصدیق کردن! هی گفتم بابا! عصر عصر دروغه! دیگه به چشمهات هم نمیتونی اعتماد کنی، چه برسه به گوشهات! ولی باز هم گوشش بدهکار نبود! آخرش هم برگشت بهم گفت مزدور ماله کش و گذاشت رفت!

حالا تصدیق میکنید که به فضای مجازی و باعث و بانیش که اینطوری عقل رو زایل کردن و باعث شدن آدم هر اراجیف علمی تخیلی رو باور کنه لعنت بفرستم؟

ای لعنت به فضای مجازی! لعنت به تلگرام و اینستگرام! لعنت به متاورس! لعنت به زاکربرگ و دورف! لعنت خدا به همه شون!

ور پریده

برخورد کنه! بعد که دوستان هم گفتن که این ارزیابی‌ها فورمالیته است و کسی واقعی نمینهه و اصلاً استاد هیئت علمی رو کسی نمیتونه کاری بکنه، رئیس جدید دانشکده خیلی جدی جواب داده که اصلاً اینطور نیست! استاد چه هیئت علمی باشه و چه نباشه، مدام در حال ارزیابی شدن و ارزیابی‌های آخر ترم شما کاملاً روی روند واحدگیریشون تأثیر میذاره!

صحبت‌های خیرنیده که تموم شد، همینطور حاج و واج بهش نگاه کردم و پرسیدم این چرند و پرندها رو کی برات تعریف کرده؟ گفت فلانی! گفتم فلانی خودش هم توی جلسه بوده؟ گفت نه! اون هم از یک فلانی دیگه شنیده!

گفتم به! دِ همین دیگه! یک کلاغ، چهل کلاغ! اون به این گفته، این به تو، تو به من! مشخصه از توش یک همچین چرندیاتی در میادا! و الا کدوم آدم عاقلی باور میکنه که رئیس جدید دانشکده که خودش هم استاد دانشگاه و هیئت علمی و تازه قبل از ریاست هم مدیر گروه بوده، همچین حرفهای تخیلی بزنه؟ دِ آخه خیرنیده تو کی میخوای آدم شی و بفهمی که نباید هر خبری رو باور کنی؟

هر چی حرف زدم و آسمون

امان...امان...امان! امان از فضای مجازی آقا، امان از فضای مجازی! امان از شبکه ارتباطات! امان از کانالها و صفحه های خبری فضای مجازی! لعنت به پیامرسانها! لعنت به تلگرام و فیس بوک و اینستگرام! لعنت به متاورس! لعنت به همه کسانی که این فضا رو به وجود آوردن! مردیکه ها با این کارشون سطح درک و تحلیل انسان رو کلاً نعام بلهم اُزل پایین آوردن! لعنت خدا به همه شون!

نگید آروم باش! اگر شما هم بدونید چی شده، مثل من که سهله! چهارتا دهن و دروازه هم از فک و فامیل عاریت میگیرید و شروع میکنید به لعن و نفرین باعث و بانی این فضاهاى مجازی!

چشمتون روز بد نبینه! اون روزی خیرنیده اومده بود پیشم، داشت از جلسه ای تعریف میکرد که تازگیها بعضی از دانشجوهای دانشکده با رئیس جدید برگزار کردن.

حالا خودش هم نبوده، ولی از یک خیرنیده دیگه تعریف میکرد که علی الظاهر، صحبت رفته سمت انتقاد از اساتید! رئیس جدید دانشکده هم برگشته گفته پس این ارزیابی آخر ترم برای چیه؟ برای همینه که انتقاداتتون رو وارد کنید و دانشگاه با استاد خاطی

دوازدهم آذر سال ۱۳۵۸ هجری شمسی، روز روح دمیدن بر کالبد نورسیده قانون اساسی است. روزی که امت، لباس رسمیت و شخصیت بر تن آن پوشانید. نظامنامه امت در این روز تاریخی، راهنما و دلیلی برای رسیدن به آرمانهای اصیل جمهوری اسلامی ایران شد. ۱۲ آذر، به عنوان روز قانون اساسی ج.ا.ا پایه گذاری شد.

مقدمه قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میبایست نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان، از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می یافت و این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت های ایران در سده اخیر، مکتبی اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت، به این تجربه گران بار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت ها، مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت؛ ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش ها به سرعت به رکورد کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می باشد).

از تدوین تا تصویب

پس از تعیین نظام جمهوری اسلامی ایران، لزوم ریل گذاری های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... بیش از پیش احساس می شد؛ پس از برگزاری انتخابات مجلس خبرگان (۱۲ مرداد ۵۸)، اعضای منتخب، کار تدوین قانون اساسی را، از ۲۸ مرداد ۵۸ آغاز و در نهایت در ۲۴ آبان همان سال، به اتمام رساندند. قانون اساسی، دو روز بعد، یعنی ۲۶ آبان، برای اولین بار در روزنامه کثیرالانتشار کیهان به چاپ رسید. همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸ برگزار شد و مردم با رای قریب به اتفاق و قاطع ۲/۹۸ درصد موافقت خود را با اصول قانون اساسی اعلام کردند؛ سپس در سال ۱۳۶۸، قانون اساسی مورد بازنگری قرار گرفت و اصلاحاتی در آن اعمال شد.

مفاد قانون اساسی

قانون اساسی، عالی ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم سایر قوانین است. در واقع، قانون اساسی، تعریف کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسه مراتب، جایگاه و حدود و ثغور قدرت سیاسی دولت یک کشور است. قانون اساسی ج.ا.ا در چهارده فصل و ۱۷۷ اصل تنظیم شده است. از جمله فصول قانون اساسی می توان به؛ ۱. اصول کلی ۲. زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور ۳. حقوق ملت ۴. اقتصاد و امور مالی و... اشاره کرد. ضمناً، به وظایف قوای سه گانه با مرکزیت رهبر عالی قدر نیز در قانون اساسی پرداخته شده است. در ادامه برای آشنایی بیشتر با بندهای قانون اساسی بخشی از مقدمه قانون اساسی را می آوریم.





آسیب‌های فضای مجازی

نفیسه اغمی؛ دانشجوی مترجمی زبان عربی^۱

اوایل اسفند سال ۱۳۹۸ بود، که ایران درگیر ویروس منحوس کرونا شد. شهرها در ترس و واهمه فرو رفتند و چراغ مدارس و دانشگاه‌ها بی فروغ ماند.

معلم‌ها و دانش‌آموزان در تکاپوی ایجاد بستری برای ادامه آموزش بودند. آموزش مجازی در سراسر دنیا روی کار آمد و رفته رفته گوشی و تبلت و لپ‌تاپ جایگزین دفتر و کتاب و تخته شدند.

ناهماهنگی بین دانش‌آموزان و معلمان و والدین، عدم مدیریت زمان، کاهش سرعت اینترنت، عدم پیگیری موثر، نبود امکانات در بعضی مناطق، فقدان بستری برای شکوفایی رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، قرار نگرفتن در کنار هم‌کلاسی‌ها، نقش کم‌رنگ مدیران و مسئولین مدارس در فرایند آموزش، عدم رعایت استانداردهای ارزشیابی، ضعف سواد رسانه‌ای برخی خانواده‌ها و معلمان، نگرانی‌های خانواده بابت کنترل گشت‌وگذارهای اینترنتی فرزندان، مشکلات روحی ناشی از تأثیرات مخرب اینترنت، کم‌حرکی و آسیب‌های پس از آن، کیفیت پایین محتوای آموزشی و... از جمله آسیب‌های آموزش مجازی در دوران بحران کرونا به شمار می‌روند.

مشکلات روان‌شناختی

مشکلات روحی و روانی، از جمله آسیب‌های جدی در این زمینه هستند. با روی کار آمدن آموزش مجازی، دانش‌آموزان در حیاتی‌ترین برهه زندگی از حضور در اجتماع محروم شدند و تبادل آن‌ها با دنیای واقعی بیرون به حداقل خود رسید. این معضل باعث شد تا در کانون رشد اجتماعی قرار نگیرند و درمقابل به رفتارهای جمعی از آگاهی لازم بهره نبرند، مفهوم عملکرد گروهی را به درستی درک نکنند و به سوی آینده‌ای فردی قدم بردارند و از مسئولیت‌پذیری شانه خالی کنند.

دانش‌آموزان در این دوران گوشه‌گیری و انزوا را در پیش گرفتند و تمام زندگی خود را درون گوشی‌های موبایل و تبلت‌هایشان خلاصه کردند.

این عادت‌های بد رفتاری، کنش‌گری فعال فرد را از جامعه می‌گیرد و به جای آن فردی را تحویل جامعه می‌دهد که در انتقال اطلاعات و احساسات و عواطف و نظریات خود ضعیف عمل می‌کند و یا منفعلانه هر آنچه پیش می‌آید را می‌پذیرد.

همچنین بسیاری از دانش‌آموزان از شروع تعطیلی مدارس، صبح‌ها دیر از خواب بیدار می‌شوند و شب‌ها نیز دیرتر به رختخواب می‌روند، این رفتار کم‌کم به یک عادت مضر تبدیل شده و باعث معضلات جدی جسمی و روحی می‌شود.

فشارهای روحی ناشی از در دسترس نبودن اینترنت، فضای شلوغ منزل، ضعف سواد رسانه‌ای و فناوری، کیفیت پایین محتوای آموزشی، قطع و وصل شدن صدا و تصویر، مشکلات پیش‌بینی نشده شبکه دانش‌آموزی (شاد) از جمله مواردی هستند که باعث ایجاد ترس، اضطراب و عصبانیت تمامی افراد حاضر در صحنه آموزش می‌شود.

گوگل یا کتاب!

اصلی‌ترین دغدغه‌ی معلم‌ها، اولیاء و دانش‌آموزان مسئله «یادگیری» است.

فرآیند یادگیری در تمام مدارس با تدریس معلم آغاز می‌شود و با نمره‌ای که دانش‌آموز از آن درس در امتحان می‌گیرد؛ به پایان می‌رسد. معلم با توجه به نمره دانش‌آموز و مشارکت او در فرآیند تدریس متوجه درصد یادگیری او می‌شود؛ اما در دوران شیوع ویروس کرونا به دنبال آموزش مجازی امتحانات و ارزشیابی‌های درسی نیز



به صورت غیر حضوری و در فضای اینترنت انجام شد. این روش نگرانی معلم‌ها و برخی اولیاء را در پی داشت؛ نگرانی بابت اینکه آیا دانش‌آموز با مطالعه کتاب نمره مورد قبول را کسب کرده یا با استفاده از سواد دیگران یا گوگل!

در این زمینه برخی از خانواده‌ها به خاطر نگرانی بابت نمره کم و تبعات آن خود به سراغ امتحان دانش‌آموز می‌روند و در حل آن، فرزند خود را یاری می‌کنند، فارغ از اینکه پیامدهای منفی این امر دلسوزانه بیشتر از کسب نمره مطلوب است و روی ذهن فرزندان آن‌ها تاثیر مخرب می‌گذارد.

دانش‌آموزان با تقلب کردن مستمر در امتحانات، انگیزه خود را برای یادگیری و تلاش برای رسیدن به نمره مطلوب از دست می‌دهند؛ همچنین بالا بردن سطح علمی را فدای برتری در نمره می‌کنند و اهمیت تلاش و عمل صادقانه در نظر دانش‌آموز کمرنگ می‌شود.

مدرسه خلاق!

در این دوران معلم‌ها چند دسته شده‌اند: دسته اول معلم‌هایی بوده‌اند که صرفاً به مدرسه تلویزیونی ایران بسنده کرده و همان محتوای تکراری را برای دانش‌آموزانشان ارسال می‌کردند.

دسته بعدی معلم‌هایی که علاوه بر محتوای آموزش و پرورش، کلاس‌های آنلاین را با کیفیت متوسط برای دانش‌آموزان برگزار کردند را شامل می‌شود.

اما دسته آخر معلم‌هایی هستند که از تمام ظرفیت‌های وجودی خود استفاده کردند تا بتوانند ذهن دانش‌آموزانشان را در همه‌ی زمینه‌های علمی، فکری، فرهنگی و اجتماعی و هنری تقویت کنند و آنان را با استعدادهای درونی خود آشنا کنند و فرصت شکوفاسازی آن‌ها را برایشان مهیا نمایند. این دسته کلاس‌های خلاق و آزاد اندیش همیشگی‌شان را در بستر فضای مجازی آوردند و تجربیات خود را به نحو احسن در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دادند. این گروه از تمام امکانات آموزشی و فناوری‌های مربوطه برای پیشبرد اهداف خود استفاده کردند. در این کلاس‌ها زنگ علوم به زنگ آزمایشگاه تبدیل می‌شد، به هنر بها داده می‌شد، ریاضی جایگزین ورزش نشد و ورزش به فراموش سپرده نشد، فارسی را با حافظ و پروین گذراندند و در زنگ جغرافیا و تاریخ جنگل‌های بارانی گیلان،

نبرد میرزا کوچک‌خان را نظاره می‌کردند.

در چنین کلاس‌هایی اخلاق و مهارت‌های زندگی حرف اول را می‌زد و معلم همان یار دیرینه دانش‌آموز بود.

البته نباید نقش ویژه مدیر و مسئولان مدرسه را در تشکیل چنین کلاس خلاق نادیده گرفت. برخی از معلمین دلسوز مناطق محروم هم حتی در شرایط ویژه و مهلکت کرونایی به دلیل نبود امکانات آموزشی و زیرساخت‌های لازم جان خود را کف دست گذاشتند و به صورت حضوری کلاس‌های درس را دایر کردند.

دولت و آموزش مجازی

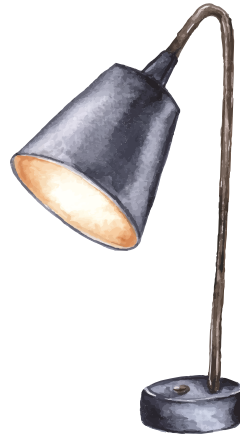
واکسینه کردن معلمین و کارکنان و دانش‌آموزان، رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی مدارس، ارائه خدمات آموزشی با حداقل هزینه یا به صورت رایگان، تخصیص بودجه کافی به وزارت آموزش و پرورش، ارائه زیرساخت‌های آموزشی قوی، حل مشکلات سامانه شاد، رفع مشکل کمبود معلم، ارائه محتوای آموزشی با کیفیت، پیگیری موثر از طریق خانواده‌ها و تعامل با آن‌ها و... از جمله انتظارات ملت از دولت بوده و هست؛ که فقط به دست این نهاد مربوطه رفع خواهد شد. این توقعات با طولانی شدن آموزش مجازی شدت گرفت و حتی، بسیاری از خانواده‌ها خواستار بازگشایی مدارس شدند؛ در این شرایط دولت‌ها سیاست خاص خود را مبنی بر همزمان بودن آموزش حضوری و مجازی را در پیش گرفتند.

در خانه چه می‌گذرد؟!

مهم‌ترین دوره ارزش‌گذاری برای کودکان دوره قبل از ورود آن‌ها به دبستان است. والدین باید قبل از ورود کودک به مدرسه ریشه عقاید و ارزش‌ها را در ذهن فرزند خود محکم نمایند و شخصیت اصلی کودک را درون او نهادینه کنند. برخی از والدین تصور می‌کنند که بعد از ورود کودک به مدرسه دیگر نقشی در قبال آموزش او ندارند و این مسئولیت را تمام و کمال به مدرسه واگذار می‌کنند در حالی که پس از ورود به مدرسه نیاز کودکان به والدین از پیش بیشتر می‌شود.

در ایام کرونایی نیمی از مسئولیت آموزش کاملاً بر دوش خانواده است و آن‌ها هستند که نقش معلم‌های اصلی را برای فرزندان ایفا می‌کنند. والدین باید بدانند؛





کتاب، یار همیشه همراه!

فاطمه آزادی؛ دانشجوی زبان و ادبیات فارسی



کلمه

شماره دهم / آذر ۱۴۰۰



۱۰

با همه این‌ها بد نیست درباره اهمیت کتاب و کتابخوانی و اینکه کتاب خوب چه ویژگی‌هایی دارد خبر داشته باشید؛ شاید یک روز سرتان به سنگ روزگار خورد و تصمیم گرفتید کتاب بخوانید.

روز کتاب و کتابخوانی در ایران

۲۴ آبان روز کتابخوانی در کشور ماست. امسال که گذشت، اما اگر شما هم عاشق کتاب خواندن باشید، می‌توانید

کتاب‌های خوب را با تخفیف بخرید. برای افرادی که عاشق خواندن کتاب هستند این روز، دوست داشتنی به نظر می‌آید؛ ولی همیشه یک نکته باقی می‌ماند و آن هم اینکه آیا این روز توانسته‌است مردم را علاقمند به کتاب کند؟ راهکار چیست؟ به نظر من که باید بدانیم چرا بخوانیم و چه چیزی را بخوانیم؛ اینطوری نصف راه رو تی کشیدیم... نه نه! ببخشید طی کردیم! (اصلاً هم قبول ندارم اشتباه نوشتیم! تقصیر من چیه که تو الفبا دو تا حرف ت و ط رو داریم!؟)

چرا کتاب بخوانیم؟

اگر خیلی خلاصه و کوتاه بخواهم بگویم، کتاب علاوه بر کمک به کاهش استرس، کمک به کاهش ابتلا به فراموشی در میانسالی، افزایش دایره واژگان و... است، که باعث می‌شود با یک دنیای جدید آشنا شویم؛ هنگامی که حوصله‌تان سر رفته یا فکر می‌کنید کسی درکتان نمی‌کند، با خواندن کتاب دیگر احساس تنهایی نمی‌کنید و حتی اگر سوالی برایتان پیش بیاید می‌توانید پاسخ‌های عمیق‌تری به آن‌ها بدهید. کتاب خواندن باعث می‌شود از نظرات آدم‌های مختلف بهره ببرید و بدون ترس از قضاوت شدن، نظرات را تحلیل کنید. با افراد بیشتری ارتباط برقرار می‌کنید و خیلی کمتر در ذهنتان آدم‌ها را قضاوت می‌کنید؛ زیرا در کتاب‌ها آدم‌های خوب و بد زیادی می‌بینید، که در شرایط مختلف رفتارهای متفاوتی نشان می‌دهند و در می‌یابید، آدم بد همیشه بد نیست و آدم خوب هم؛ همیشه خوب نیست و شرایط گاهی می‌تواند رفتار آدم‌ها را تغییر دهد. جدای از همه این‌ها، کتاب خواندن باعث می‌شود

سلام! امیدوارم حالا که تصمیم گرفته‌ای این متن را بخوانی، خستگی یک روز پر مشغله کاری را به دوش نکشی! چون قرار نیست قصه هزار داستان خواب آوری را برایت بگویم که آرام خوابی و رویاهای شیرین ببینی.....

کتاب‌ها فقط برای این نیستند که بخوابی، گاه قصه می‌گویند تا بیدار شوی.....

اول نوشته، خیلی ادبی شد، نه؟

خب به هر حال من یکی از دانشجویهای ادبیات هستم و چاشنی ادبی را نمی‌توانم در نوشتن متن در نظر نگیرم! فقط امیدوارم آن قدر زیاد از این چاشنی استفاده نکرده باشم که حس کنید، دارید یک غذای شور می‌خورید! راستش اصلاً قرار بود من یک متن درباره اهمیت کتاب و کتابخوانی بنویسم، ولی خب من هم مثل خیلی از افراد کم سن‌تر از خودم، اصلاً از گوش دادن به نصیحت و حرف‌های کلیشه‌ای خوشم نمی‌آید؛ پس تصمیم گرفتم کمی متفاوت و عجیب و غریب شروع کنم. راستی درست متوجه شده‌ای! قرار است درباره کتاب، همان دوست عزیزی که جدیدترین آمار نشان می‌دهد، در کشور ما سالانه فقط پنج دقیقه و دوازده ثانیه مهمان ذهن ما ایرانی‌ها می‌شود و بیشتر اوقات در حال نوش جان کردن خاک در گوشه‌ی کتاب‌خانه است، صحبت کنیم.

در مدرسه، ما معمولاً کتاب‌های درسی می‌خوانیم و در آمار اینکه پنجاه و نه درصد ایرانی‌ها کتاب غیر درسی نمی‌خوانند به تصویر کشیده شده است؛ که این بخش را معلم‌ها دوست ندارند، اما خب واقعاً کتاب‌های درسی خیلی دوست داشتنی نیستند... پس تا حدودی حق دارید اگر علاقه به خواندن کتاب در وجودتان ریشه نداشته باشد (ای بابا! باز که ادبی حرف زدم مگه آمار نقاشیه که کشیده بشه یا علاقه به کتاب درخته که ریشه بخواد؟؟!!؟)



لذت‌های عمیق‌تری را تجربه کنید و مکان‌ها و زمان‌هایی را با تجسم کردن در ذهنتان ببینید، که شاید هیچ وقت امکان از نزدیک دیدن آن‌ها برایتان وجود نداشته باشد.

چه کتابی برای خواندن خوب است؟

جواب ساده است. کتابی که برای من خوب است لزوماً برای شما خوب نیست. در واقع کتابی در دنیا وجود ندارد که همه سلاقی را در بر بگیرد و خوب هیچ کتابی هم نیست که همه از آن بدشان بیاید؛ البته این مسئله یک چیز نسبی است، اما اگر ویژگی‌های مشترک همه کتاب‌های خوب را بخواهیم در نظر بگیریم، کتاب خوب برای خیلی از افراد کتابی است که جذابیت متنی برای خواننده داشته باشد و خواننده را با توضیحات اضافه خسته نکند، کتاب خوب حرفی برای گفتن دارد حتی اگر به خاطر سرگرمی خوانده شده باشد. (کتاب خوب لزوماً آموزشی نیست! حالا فکر نکنی صرفاً منظور کتاب‌های آموزشیه! اتفاقاً به رمان خوب هم می‌تواند کلی حرف برای گفتن داشته باشد، اما شکل آموزش دادنش معمولی نیست!)

با این حال باز هم به سلیقه و شرایط خود شما بستگی دارد. کتاب خوب می‌تواند برای یک فرد خسته، صرفاً کتاب سرگرم کننده و بدون جنبه آموزشی و صرفاً برای رفع خستگی باشد.

اگر من بخواهم کتاب پیشنهاد بدهم!

خب در هر زمینه‌ای می‌شود کتابی پیشنهاد داد، من اسم چند کتاب در چند زمینه مختلف رو برایتان می‌گویم. (امیدوارم به درد بخوره! حداقلش اینه دیگه نمی‌تونن پهنه بیاری من کتاب خوبی رو نمی‌شناختم که نخوندم!)

کتاب داستانی:

جان‌اتان مرغ دریایی از ریچارد باخ: این کتاب داستانی از زندگی همه‌ی انسان‌ها است؛ همه‌ی انسان‌هایی که به زندگی در اجتماع خودساخته خو کرده‌اند و هیچ برون رفتی از قوانین و چهارچوب‌های خودساخته متصور نیستند.

علاوه بر اینکه تعداد صفحات کتاب خیلی زیاد نیست، داستان جالبی دارد.

بخشی از کتاب: تنها یک قانون وجود دارد و آن هم رهایی است...

رهایی از محدودیت ذهن خود، محدودیت‌های خودساخته، محدودیت‌های ساخته دست و تفکرات پیشینیان و تنها قانون صحیح، قانونی است که منجر به آزادی شود.

(اگه دوست داشتی با کتاب‌های ایرانی شروع کنی، کتاب ماهی سیاه کوچولو اثر آقای صمد بهرنگی هم تقریباً در همین موضوع نوشته شده.)

کتاب در زمینه دفاع مقدس:

شترنج با ماشین قیامت از آقای حبیب احمد زاده: این کتاب داستان دیده‌بان نوجوان ۱۷ ساله‌ای است که به ناچار به جای دوست مجروحش راننده ماشین حمل غذا می‌شود، نوجوانی که در کل داستان نامش را متوجه نمی‌شویم و فقط چند باری از پشت بی‌سیم با نام مستعار موسی صدایش می‌کنند...

او متوجه می‌شود عراقی‌ها یک ماشین رادار دارند، به دنبال این ماشین رادار، که به آن ماشین قیامت می‌گویند می‌رود تا راز آن را بفهمد.

بخشی از کتاب: بهم می‌گفت برات کفش می‌خرم؛ لباس می‌خرم؛ فقط، خوشگل خانم! بشین کنارم...

منزله یاران این جاست! میدان سواران این جاست! تشنه لبان را برگویید! سرچشمه‌ی باران این جاست! سعی کردم زمان فرضی فرود آمدن دستان بچه‌ها بر سینه‌ها را حساب کنم و همراه با آنان، دست راستم را بر سینه بکوبم!

کتاب در زمینه اقتصاد:

پدر پولدار، پدر بی پول از رابرت کیوساکی: این کتاب می‌تواند نقطه شروعی برای تمام کسانی باشد که می‌خواهند کنترل مالی‌شان را در آینده بدست گیرند.

بخشی از کتاب: افراد باهوش کسانی را استخدام می‌کنند که از خودشان باهوش‌ترند.

خب! نوشته من تمام شد. (راستی تا یادم نرفته در آخر امیدوارم سنگ روزگار به جای اینکه به سرت بخوره این بار تغییر رویه بده و شوق کتابخوانی رو تو قلبت بندازه!!)



کلمه

شماره دهم / آذر ۱۴۰۰





اشعار ملل

گرد آورنده: مائده سادات حسینی؛

دانشجوی مترجمی زبان عربی

بِالْقُرْآنِ الْهَدْيِ

أَنْ تَخْرُجَ مِنْ ضُلُمِ الظُّلُمَاءِ إِلَى النُّورِ

أَنْ تُولِدَ ثَانِيَةً وَ الْمَاضِيَ مَغْفُورَ

لِحَظِهِ أَنْ تَسْمَعَ بِاللَّهِ

فِي قَلْبِكَ يَقْضِفُ بَهْرِي

هَذَا مَا لَا يَدْرُكُهُ وَصْفٌ وَ شُعُورِ

يَا اللَّهُ إِنِّي نَادَيْتُكَ وَ سَمِعْتُ

إِنِّي إِسْتَهْدَيْتُكَ فَهَدَيْتَ

بِالْقُرْآنِ أَنْتَ طَرِيقِي

يَا اللَّهُ

إِنِّي نَادَيْتُكَ وَ سَمِعْتُ

إِنِّي إِسْتَهْدَيْتُكَ فَهَدَيْتَ

بِالْقُرْآنِ أَنْتَ طَرِيقِي

كُنْتُ أُسِيرُ الْحَبِيرَةَ يَحْمِلُ قَلْبَهَا نَاهِ

كَانَ الصَّبْتُ مُخِيفًا

قَبْلَكَ يَا اللَّهُ

فَإِذَا بِالرَّحْمَنِ قَرِيبِ

يَسْتَلْهُ هَائِرٌ فَيَجِيبُ

أَشْهَدُ أَنْ لَا رَبَّ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاهِ

يَا اللَّهُ

إِنِّي نَادَيْتُكَ وَ سَمِعْتُ

إِنِّي إِسْتَهْدَيْتُكَ فَهَدَيْتَ

بِالْقُرْآنِ أَنْتَ طَرِيقِي

إِنِّي نَادَيْتُكَ وَ سَمِعْتُ

إِنِّي إِسْتَهْدَيْتُكَ فَهَدَيْتَ

بِالْقُرْآنِ أَنْتَ طَرِيقِي

يَا اللَّهُ

يَا اللَّهُ

شاعر: سید محمد تیجانی سماوی

با قرآن هدایت شدی

که از تاریکی تنگ به سوی نور بروی

برای آن که بار دیگر متولد شوی و گذشته‌ای پاک داشته باشی!

لحظه‌ای که خداوند را در قلبت احساس کنی

و در همان لحظه قلبت، تو را به سوی هدایت سوق دهد

چنین لحظه‌ای بالاتر از توصیف و احساس است.

پروندگان را من ترا صدا زده‌ام و در این راه تلاش کرده‌ام

من از تو طلب هدایت کرده‌ام و هدایت شده‌ام

با قرآن راه من را روشن کرده‌ای

بارالها!

من ترا صدا زده‌ام و در این راه تلاش کرده‌ام

من از تو هدایت طلب کرده‌ام و هدایت شده‌ام

با قرآن راه من را روشن کرده‌ای

اسیر سردرگمی و حیرانی بوده‌ام و قلبی گمگشته را حمل می‌کردم.

سکوتی ترسناک بود

پیش از تو

ناگهان خداوند رحمان را یافتیم؛ که نزدیک است

هرگاه سرگشته و گم‌شده‌ای از او کمک بگیرد، پاسخ می‌دهد.

گواهی می‌دهم که پروردگار و معبودی جز او نیست.

بارالها!

من ترا صدا زده‌ام و تلاش کرده‌ام

من از تو هدایت طلب کرده‌ام و هدایت شده‌ام

با قرآن راه من را روشن کرده‌ای

من ترا صدا زده‌ام و در این راه تلاش کرده‌ام

من از تو هدایت طلب کرده‌ام و هدایت شده‌ام

با قرآن راه من را روشن کرده‌ای

بارالها! بارالها!

خلاصه برنامه اکران مستند با دکتر مزیانی

در این مستند به نکات کلیدی و مهمی پرداخته می شود.

طبیعتاً یکی از دغدغه‌های مهم دانشجویان در هر رشته‌ای است.

یک نخبه فیزیک که برای او، سوالی ایجاد می‌شود؛ نظرات افراد مختلفی را می‌پرسد؛ از جمله خانواده، دانش‌آموزان کنکوری، کارآفرینان و...

اختلاف تفکری که بین واقعیت و خیال دانشجو و خانواده او، در مورد دانشگاه، توقع و تلقی‌های ما از نسبت داوطلب به دانشگاه برمیگردد به انقلاب صنعتی دوم، که از دانشجوهای فنی و مهندسی به عنوان سازنده و پیش برنده جامعه یاد می‌شود. گسترش مدام صنایع صنعتی به شغل این دانشجوها کمک می‌کرد، در زمان رضا شاه پهلوی، رفتن افراد به دانشگاه به همین شکلی بود، که مردم بعد از دانشگاه به دنبال کار بودن و از طریق رفتن به دانشگاه کار پیدا می‌کردند. در حال حاضر ما در عصر ۴ انقلاب صنعتی هستیم یا همان هوش مصنوعی.

چهارچوب‌های فکری مدیران صنعتی کشور، انقلاب صنعتی دو است؛ اما وقتی با جهان واقعی رو به رو می‌شوند، در می‌یابند که واقعیت‌ها با معیارهای آن‌ها هم‌سو نیست.

در جامعه برای بیکار نبودن با داشتن مدرک دانشگاهی، دو راه وجود دارد:

داشتن ایده و مهارت دانشجو و خانواده، آن‌ها هنوز هم با این امید به دانشگاه می‌روند که شغل داشته باشند؛ ولی تقابل وجود دارد. نبود ایده و مهارت در دانشجو، یعنی نبود شانس برای آینده شغلی است.

در جوامع دیگر پیوندی میان جامعه و دانشگاه وجود دارد و اگر جامعه دچار مشکل شود، به سراغ دانشگاه می‌روند، اما در ایران متأسفانه پیوندی میان جامعه و دانشگاه وجود ندارد.



باشگاه فیلم علامه

بررسی مستند دیوانگی
به مناسبت روز دانشجو

فرنوش رضانی؛ دانشجوی تاریخ

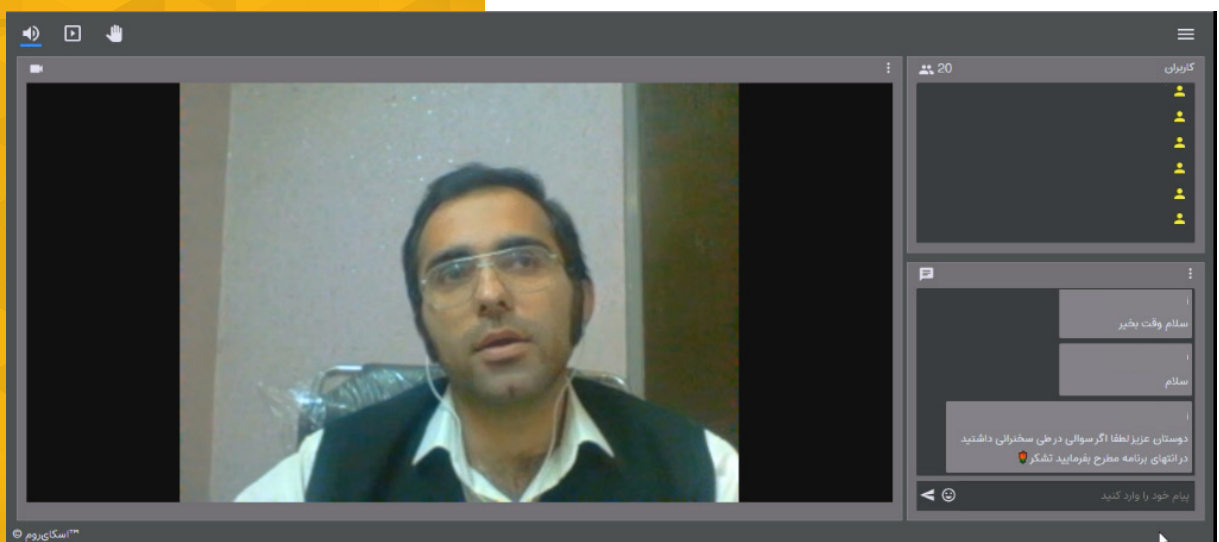


کلمه

شماره دهم / آذر ۱۴۰۰



۱۳



عکسی از کلاس در اسکای روم

مقام معظم رهبری
(مدظله العالی)

فاطمه زهرا، صدیقه ی کبری (س) بزرگترین بانوی تاریخ بشری، افتخار این دین و افتخار این امت است. مقام فاطمه زهرا (س) از جمله ی آن مقاماتی است که تصور آن برای انسانهای معمولی، انسانهای متعارف، امثال ماها - یا ممکن نیست، یا دشوار است؛ معصوم است دیگر، نه به حسب مسئولیت رسمی، پیغمبر است؛ نه به حسب مسئولیت رسمی، امام و جانشین پیغمبر است؛ اما در رتبه، درحد پیغمبر و اما است، ائمه ی هدی (علیهم السلام) نام مبارک فاطمه زهرا را با عظمت و با تجلیل می‌برند، از معارف صحیفه ی فاطمی نقل می‌کردند، اینها چیز های بسیار عظیمی است فاطمه زهرا (سلام...) علیها (این است).

(۱۳۸۹/۰۳/۱۳)

بزرگ فاطمه

